

بررسی ویژگی‌ها و اهداف یک مجموعه نمایشی در گفت‌وگوی «جوان» با اصغر گروسی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر

«آینه در آینه»

شکستن سد عدم اقتباس از ادبیات پایداری است

گفت‌وگو مصطفی شاه‌کرمی



بسیاری از نمایشنامه‌نویسان و فعالان تئاتر، ضمن گلایه از عدم تصویری‌سازی از آثار حوزه ایثار و مقاومت، می‌گویند بخش عمده‌ای از این آثار، پس از انتشار به آرشیو سپرده می‌شوند. مجموعه «آینه در آینه» با هدف تبدیل کتاب‌های ادبیات پایداری به آثار نمایشی شکل گرفته است و تلاش دارد تا روایت‌های هنرمندانه‌ای از زندگی شهدا و قهرمانان ملی تولید کند. این مجموعه اقتباسی با آثاری از نصرالله قادری، شهرام گرمی، مهرداد کورش‌نیا، اصغر گروسی، کهبند تاراج، وحید درویشی، لیلارو غنگیگر قزوینی، آرزو بهرامی و مسعود احمدی به چاپ رسیده است. با توجه به تاجار به معدود گذشته، می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که چنین آثاری می‌توانند با استقبال گسترده مخاطبان همراه شوند. «جوان» برای بررسی ابعاد بیشتر این اقدام با اصغر گروسی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر، گفت‌وگو کرده است.

■ ■ ■

لطفاً برای آشنایی مخاطبان، درباره شکل‌گیری مجموعه «آینه در آینه» و چگونگی انتخاب آثار توضیحاتی بفرمایید.

در طراحی این مجموعه، به دلیل زیست‌بوم استان فارس، توجه به ایثارگران، شهدا و قهرمانان برجسته این خطه برای ما اهمیت ویژه‌ای داشت. در کنار آن، شخصیت‌های تاریخی و فرهنگی همچون ملاصدرا نیز مورد توجه قرار گرفتند. برای انتخاب آثار، اتاق فکری تشکیل شد و از میان صدها عنوان کتاب، به تدریج دایره انتخاب‌ها محدود شد تا در نهایت به مجموعه‌ای متشکل از ۲۰ کتاب رسیدیم. این آثار سوزی نویسنده‌گان شناخته‌شده‌ای همچون نادر ابراهیمی، محمدرضا سنگری و دیگر چهره‌های معتبر حوزه ادبیات نگاشته شده بودند. این کتاب‌ها را در اختیار نمایشنامه‌نویسانی قرار دادیم که در تئاتر ایران کارنامه موفق و قابل‌اعتنایی دارند. بسیاری از این هنرمندان، با وجود قراردادهای حداقلی و بیشتر از سرعلاقه و دغدغه فرهنگی، همکاری با این طرح را پذیرفتند و نتیجه آن مجموعه‌ای شد که توانست یک سد ذهنی را در فضای فرهنگی بشکند.

اهداف تشکیل چنین مجموعه‌ای شامل چه مواردی است؟

پرسش ما این بود که کتاب‌هایی که در حوزه ادبیات پایداری، از سوزی نهادهایی همچون حوزه هنری، بنیاد شهید و بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس منتشر می‌شوند، پس از انتشار چه سرنوشتی پیدا می‌کنند؟ بسیاری از این آثار در نهایت به آرشیو سپرده می‌شوند؛ در حالی که ظرفیت بالایی برای معرفی قهرمانان ملی و انتقال مفاهیم ارزشی به نسل جدید دارند. در شرایط امروز، صرفاً با تولید برنامه‌های تلویزیونی یا انتشار کتاب نمی‌توان انتظارات داشت چون آثار ادبی شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند. ما باید از ظرفیت هنر نمایش برای رساندن این روایت‌ها به مخاطب بهره‌برگیریم و آنها را به بخشی از سبد فرهنگی جامعه تبدیل کنیم. باید در شیوه معرفی قهرمانان ملی به نسل جدید بازنگری صورت بگیرد. سؤال مهم این است که چرا کودکان و نوجوانان ما شخصیت‌هایی مانند بتمن و اسپایدرمن را می‌شناسند، اما با بسیاری از قهرمانان ملی و شهدای خود آشنا نیستند؟ ما معمولاً تنها در مناسبت‌هایی خاص به سراغ این شخصیت‌ها می‌رویم و انتظار داریم نسل جدید با آنها ارتباط برقرار کند؛ در حالی که شناخت و ارتباط نیازمند روایت درست و مستقیم است. هر گروه سنی زبان و ادبیات خاص خود را دارد. اگر می‌خواهیم کودکان با قهرمانان واقعی کشورشان آشنا شوند، باید این شخصیت‌ها را با زبان کودکان، جذاب و متناسب با دنیای ذهنی آنان معرفی کنیم. در غیر این صورت، نمی‌توان انتظار داشت این روایت‌ها در ذهن نسل جدید ماندگار شوند. ما باید برای کودکان و نوجوانان خود قهرمان بسازیم. خوشبختانه الگوهای فراوانی الهام‌بخش را به نسل‌های آینده معرفی کنیم. در سال‌های اخیر، حوادث و رویدادهای مهمی را پشت سر گذاشته‌ایم؛ از جنگ ۱۲ روزه گرفته تا فتنه‌ها و تهدیدهای مختلف علیه کشور. زمانی برخی معتقد بودند؛ نسل‌های جدید دیگر روحیه ایثار و مقاومت نسل دفاع مقدس را ندارند اما اتفاقات سال‌های اخیر نشان داد همچنان این ظرفیت در جامعه وجود دارد و جوانان ما در بزنگاه‌های تاریخی آماده ایثار و فداکاری هستند. وظیفه ما این است که این قهرمانان را به جامعه معرفی کنیم. امروز در یکسوی میدان، رسانه‌هایی قرار دارند که با بهره‌گیری از ابزارهای حرفه‌ای رسانه‌ای برای مخاطبان خود الگو می‌سازند و در سوی دیگر ما داریم که گاهی تنها به تماشا نشستیم. روشن است که با تماشا کردن اتفاقی رخ نمی‌دهد و برای اثرگذاری باید وارد میدان تولید محتوا شد.

سیر و روند رسیدن به این رویکرد چقدر طول کشید؟

از مرحله شکل‌گیری ایده، انتخاب آثار، سفارش نمایشنامه‌ها تا انتشار و اجرای آن‌ها، نزدیک به چهار سال زمان صرف شد. دو سال پایانی پروژه نیز صرف آماده‌سازی و اجرای آثار شد. در طول این مسیر در یافتیم که این ایده قابلیت تحقق دارد و می‌توان از دل آثار مکتوب، نمایشنامه‌هایی جذاب و اثرگذار خلق کرد. اجرای نمایش‌های ایسن مجموعه نزدیک به

چهار ماه سالان‌های استان فارس را درگیر کرد و برخی آثار با استقبال چشمگیر مخاطبان روبه‌رو شدند. حتی خود ما نیز تصور نمی‌کردیم آثاری با موضوعاتی همچون سرتگونی هواپیمای مسافربری ایران یا نمایش‌هایی مانند «چشم‌های اسماعیل» تا این اندازه مورد توجه قرار گیرند. تجربه «آینه در آینه» نشان داد؛ روایت متفاوت و هنرمندانه از زندگی شهدا و قهرمانان، آن هم از سوی نویسندگان صاحب‌قلم، می‌تواند جایگاه قابل‌توجهی در تئاتر امروز ایران پیدا کند و مخاطبان نیز از آن استقبال می‌کنند.

آیا امکان برون‌سپاری این آثار وجود ندارد؟

متأسفانه گاهی در برون‌سپاری‌های فرهنگی، به دلیل کم‌توجهی به کیفیت، آثار ضعیفی تولید می‌شود و طبیعی است که چنین آثاری نتوانند مخاطب را جذب کنند. اگر می‌خواهیم در عصر رسانه و فضای مجازی اثرگذار باشیم، باید آثار فاخر و حرفه‌ای تولید کنیم و این مسئله نیازمند سرمایه‌گذاری مالی و فکری است. امیدوارم امکان تداوم این طرح فراهم شود و بتوانیم دوره‌های دوم، سوم و حتی دهم و بیستم «آینه در آینه» را برگزار کنیم. اگر این روند استمرار پیدا کند، مجموعه‌های ارزشمند از نمایشنامه‌های اقتباسی مبتنی بر ادبیات پایداری شکل خواهد گرفت. امیدوارم مسئولان، بخشی از بودجه‌های فرهنگی را به جای صرف در برنامه‌های تکراری و روتین به تولید آثار ماندگار اختصاص دهند؛ آثاری که بتوانند به هویت‌سازی و الگوسازی کمک کنند. اگر امروز در این زمینه کوتاهی کنیم، در آینده با بحران هویت مواجه خواهیم شد.

به نظر شما چه ایرادی به شیوه و روش مرسوم معرفی چهره‌های شاخص کشورمان وارد است؟

ما کمبود قهرمان نداریم؛ قهرمانان فراوانی در تاریخ معاصر کشور وجود دارند اما مسئله این است که آنها را به‌درستی معرفی نکرده‌ایم. برای مثال، نوجوانانی که از خودگذشتگی‌های بزرگم انجام داده‌اند یا شهدای کم‌سن‌وسالی که می‌توانند الگوی نسل امروز باشند، کمتر شناخته شده‌اند. علت این مسئله آن است که برخی شخصیت‌ها در سایه نام‌های شناخته‌شده‌تر قرار گرفته‌اند و فرصت معرفی پیدا نکرده‌اند. نباید به معرفی قهرمانان به عنوان یک فعالیت مناسبتی و اداری نگاه کنیم. اگر می‌خواهیم نسل جدید با این شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند، باید آنها را با زبان و ادبیات متناسب با گروه‌های سنی مختلف معرفی کنیم. کودکان و نوجوانان نیازمند روایت‌هایی جذاب، قابل‌فهم و متناسب با دنیای ذهنی خود هستند.

جایگاه و شیوه اقتباس در فضای فرهنگی و هنری دیگر کشورها به چه شکلی صورت می‌گیرد؟

اقتباس از همه‌دلیک شیوه شناخته‌شده و معتبر برای خلق آثار هنری است. حتی در مهم‌ترین رویدادهای سینمایی و ادبی جهان، جوایز مستقلی برای آثار اقتباسی در نظر گرفته می‌شود. با این حال، در کشور ما هنوز نگاه درستی نسبت به این حوزه شکل نگرفته است. اقتباس انواع مختلفی دارد؛ اقتباس وفادارانه، اقتباس آزاد و اقتباس ایده‌محور. هر یک از این شیوه‌ها می‌توانند زمینه خلق آثار ارزشمند را فراهم کنند اما متأسفانه در بسیاری از جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی کشور، این حوزه‌ها انگونه که باید مورد توجه قرار نگرفته است. تصور اشتباهی وجود دارد که نویسندگی اصیل تنها به معنای خلق اثری کاملاً مستقل است؛ در حالی که اقتباس نیز یک فرایند خلاقانه و ارزشمند به شمار می‌رود و در سراسر جهان جایگاه تثبیت‌شده‌ای دارد.

در این رابطه، تجربه یا نمونه مثالی دارید؟

اقتباس، علاوه بر خلق اثر هنری، به شناخت فرهنگی نویسنده نیز کمک می‌کند. ممکن است نویسنده‌ای هرگز در منطقه‌ای زندگی نکرده باشد اما از طریق مطالعه یک رمان و اقتباس از آن، با فرهنگ، زیست‌بوم و مناسبات اجتماعی آن منطقه آشنا شود و بتواند اثری خلق کند که حتی برای مردم همان اقلیم نیز باورپذیر و قابل ارتباط باشد. امروز بیش از هر زمان دیگری به حمایت از اقتباس نیاز داریم. باید نویسندگان را به استفاده از ظرفیت آثار ادبی برجسته کشور تشویق کرد. این مسیر شاید در ابتدا دشوار به نظر برسد اما هم برای نویسنده تجربه‌ای از رشد است و هم می‌تواند به تولید آثار نمایشی ماندگار و اثرگذار منجر شود. یکی از مزیت‌های اقتباس این است که نویسنده را با فرهنگ‌ها و زیست‌بوم‌های مختلف آشنا می‌کند. برای نمونه، نمایشی را براساس یک اثر ادبی مرتبط با ترکمن صحرا اقتباس کردم در حالی که هیچ‌گاه در آن منطقه زندگی نکرده بودم. با این حال، همین اثر پس از تولید در استان گلستان و میان مخاطبان همان اقلیم نیز مورد استقبال قرار گرفت. اگر قرار بود بدون اتکا به یک اثر ادبی به چنین شناختی برسیم، شاید باید سسال‌ها در آن منطقه زندگی می‌کردم و چنین امکانی وجود نداشت. متأسفانه در سال‌های گذشته گاهی تصور می‌شد اقتباس صرفاً به معنای بازتولید آثار شناخته‌شده خارجی است اینکه بارها و بارها نمایشنامه‌های شکسپیر را با روایت‌ها و گویش‌های مختلف اجرا کنیم. این تجربه‌ها در جای خود جذاب هستند؛ اما دیگر به تنهایی پاسخگوی نیاز امروز تئاتر ایران نیستند. اکنون به نگاه و سوخت‌تازهای نیاز داریم و آن،

رجوع به ظرفیت‌های گسترده فرهنگ ایران زمین است. **ارزایی شما از ظرفیت بین‌المللی تولیدات فرهنگی کشورمان چیست؟**

فرهنگ ایران محدود به مرزهای سیاسی امروز کشور نیست. حوزه تمدنی و فرهنگی ایران از آسیای میانه تا بخش‌هایی از غرب آسیا گسترده شده و در طول تاریخ بر مناطق مختلف تأثیر گذاشته است. اما متأسفانه گاهی چنان دایره نگاه خود را محدود کرده‌ایم که فرهنگ ایرانی را تنها در چند نقطه جغرافیایی یا برخی آثار تاریخی خلاصه می‌کنیم در حالی که ردپای فرهنگ ایرانی را می‌توان در کشورهای مختلف منطقه مشاهده کرد. کافی است به تاجیکستان، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، جمهوری آذربایجان و حتی بخش‌هایی از ترکیه و کشورهای عربی نگاه کنیم. بسیاری از این جوامع همچنان با میراث فرهنگی و ادبی ایران ارتباط دارند و ظرفیت مناسبی برای مخاطب آثار فرهنگی ما به شمار می‌روند. اگر بتوانیم آثار نمایشی و ادبی باکیفیتی تولید کنیم، مخاطب ما تنها در داخل کشور نخواهد بود. امروز بسیاری از کشورهای منطقه از تولیدات فرهنگی و تاریخی ایران استقبال می‌کنند در حالی که ساخت آثار نمایشی و اقتباسی هزینه‌ای به مراتب کمتر از تولید پروژه‌های عظیم تلویزیونی و سینمایی دارد و می‌تواند نقش مهمی در گسترش نفوذ فرهنگ ایران افا کند. در برخی مقاطع تاریخی از جمله دوران شکل‌گیری جریان مدافعان حرم، بیشتر روایت‌ها در سطح سیاسی و رسانه‌ای مطرح می‌شد و کمتر شاهد تولید آثار فرهنگی ماندگار بودیم؛ در حالی که هنر و به ویژه تئاتر می‌تواند بدون شعارزدگی و با زبانی هنرمندانه، مفاهیم عمیق فرهنگی و ارزشی را به مخاطب منتقل کند. اگر می‌خواهیم جایگاه فرهنگی ایران را در منطقه و جهان تثبیت کنیم، باید به تولید آثار اقتباسی و آثار اصیل توجه بیشتری داشته باشیم. همان‌گونه که توانسته‌ایم در عرصه‌های مختلف سیاسی و راهبردی نقش آفرینی کنیم، در حوزه فرهنگ نیز باید جایگاه تاریخی و تمدنی خود را به نمایش بگذاریم.

رجوع به ظرفیت‌های گسترده فرهنگ ایران محدود به

فرهنگ ایران محدود به مرزهای سیاسی امروز کشور نیست. حوزه تمدنی و فرهنگی ایران از آسیای میانه تا بخش‌هایی از آسیای غرب آسیا گسترده شده و در طول تاریخ بر مناطق مختلف تأثیر گذاشته است. اما متأسفانه گاهی چنان دایره نگاه خود را محدود کرده‌ایم که فرهنگ ایرانی را تنها در چند نقطه جغرافیایی یا برخی آثار تاریخی خلاصه می‌کنیم در حالی که ردپای فرهنگ ایرانی را می‌توان در کشورهای مختلف منطقه مشاهده کرد. کافی است به تاجیکستان، افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، جمهوری آذربایجان و حتی بخش‌هایی از ترکیه و کشورهای عربی نگاه کنیم. بسیاری از این جوامع همچنان با میراث فرهنگی و ادبی ایران ارتباط دارند و ظرفیت مناسبی برای مخاطب آثار فرهنگی ما به شمار می‌روند



مجموعه «آینه در آینه» چه برنامه‌هایی برای آینده و ادوار آن دارد؟

در دوره دوم این طرح از حوزه‌های هنری استان‌های مختلف خواسته‌ایم آثار شاخص و رمان‌های برتر خود را معرفی کنند. برخی استان‌ها یک اثر شاخص دارند و برخی دیگر چندین اثر ارزشمند. این آثار در اتاق فکر مجموعه بررسی می‌شوند تا بتوانیم از میان آنها بهترین‌گزینه‌ها را برای اقتباس انتخاب کنیم. برای ما تفاوتی ندارد که قهرمان یک روایت متعلق به کدام استان باشد. هر منطقه از ایران قهرمانان، شهدا و شخصیت‌های اثرگذاری دارد که برای دفاع از وطن و آرمان‌های این سرزمین از جان خود گذشته‌اند و شایسته معرفی به نسل‌های آینده هستند. هدف ما ایجاد یک بانک و کتابخانه گسترده از آثار ارزشمند ادبی و تاریخی است؛ آثاری که شاید سال‌ها در آرشیوها باقی مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. تلاش می‌کنیم هم نویسندگان پیشکسوت و هم استعداد‌های جوان را شناسایی و رصد کنیم؛ تا در دوره‌های آینده «آینه در آینه» از ظرفیت همه آنها بهره ببریم. بدون تردید یک مجموعه به تنهایی نمی‌تواند این مسیر را به سرانجام برساند و موفقیت این جریان نیازمند همراهی هنرمندان، رسانه‌ها و مدیران فرهنگی کشور است. در مجموعه نخست «آینه در آینه» نیز به این موضوع توجه داشتیم. یکی از آثار این مجموعه به شخصیت ملاصدرا اختصاص داشت که نمایشنامه آن را کوروش زارعی (با کوروش نریمانی پراساس نام صحیح) به نگارش در آورد. در دوره‌های بعدی نیز قطعاً به سراغ شخصیت‌ها و موضوعات تاریخی و ادبی خواهیم رفت؛ چراکه اگر بخواهیم بر مسائل امروز تکیه کنیم، ابتدا باید تاریخ و ادبیات خود را به‌درستی بشناسیم.

به نظر شما برای گسترش و تقویت تولید آثار نمایشی اقتباسی چه اقداماتی باید صورت بگیرد؟

همانگونه که برای شناخت سیر تحول شعر فارسی باید از رودکی آغاز کنیم و گام‌به‌گام به دوران معاصر برسیم، در حوزه نمایش و اقتباس نیز ناگزیر از رجوع به ریشه‌های فرهنگی خود هستیم. شناخت گذشته می‌تواند افق دید ما را برای آینده گسترش دهد. گاهی کشور‌های همسایه از غفلت ما استفاده می‌کنند و برخی چهره‌های بزرگ فرهنگی همچون رودکی، این سسینا یا مولانا را به نام خود معرفی می‌کنند. با این حال، من معتقدم این مسئله بیش از آنکه موجب نگرانی باشد، نشان‌دهنده گستره نفوذ فرهنگی ایران است. برای مثال، مولانا را در ترکیه به عنوان یکی از مفاخر خود معرفی می‌کنند اما آثار او به زبان فارسی سروده شده و مخاطبان برای فهم اشعارش ناچارند زبان فارسی بیاموزند. این خود نشانه‌ای از گسترش فرهنگ ایرانی است.

در مجموعه «آینه در آینه» تمرکز بر تولید اثر با محوریت آثار جدید است یا نسبت به متون قدیمی و کهن ایرانی هم توجه دارید؟

در مجموعه «آینه در آینه» نگاه به ادبیات کلاسیک و متون کهن وجود دارد اما تلاش می‌کنیم به سراغ سوزه‌هایی برویم که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. برخی آثار مانند شاهنامه، بارها دستمایه اقتباس و پژوهش قرار گرفته‌اند و نیازهای تخصصی متعددی روی آنها کار می‌شود. در مقابل، شخصیت‌هایی مانند ملاصدرا، با وجود جایگاه برجسته فکری و فلسفی، کمتر در قالب آثار نمایشی و دراماتیک معرفی شده‌اند و همین مسئله آنها را به سوزه‌هایی جذاب برای اقتباس تبدیل می‌کند. علاوه بر شخصیت‌های تاریخی به سراغ چهره‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نیز رفتیم. برای نمونه، در مجموعه نخست آثاری درباره آیت‌الله دستتیب و دیگر شخصیت‌های اثرگذار نیز تولید شد. تلاش ما این بوده که دایره انتخاب‌ها محدود نباشد و طیف گسترده‌ای از قهرمانان و شخصیت‌های الهام‌بخش را در برگیرد.

سهم گروه‌های سنی از جمله کودک و نوجوان در تولید این آثار نمایشی چند است؟

در دوره‌های بعدی تلاش خواهیم کرد موضوعات را به صورت تخصصی‌تر دسته‌بندی کنیم. برای مثال، ممکن است یک دوره را به قهرمانان کودک و نوجوان اختصاص دهیم یا به سراغ قهرمانان زن و مرد برویم و برای هر حوزه شاخص‌ها و معیارهای مشخصی تعریف کنیم. تحقق این اهداف نیازمند حمایت مسرت است. هرچه دایره‌خانه این طرح گسترده‌تر و توانمندتر شود، آینده ادبیات نمایشی اقتباسی کشور نیز پربارتر خواهد شد. تمرکز ما نیز به صورت تخصصی بر حوزه اقتباس است و در زمینه آثار تألیفی و اورجینال، مجموعه‌های دیگری فعالیت می‌کنند. البته هدف ما صرفاً تولید متن نبود. از همان ابتدا تصمیم داشتیم نمایشنامه‌ها روی صحنه برونند و با مخاطب ارتباط مستقیم برقرار کنند. به همین دلیل، پنج کارگردان را انتخاب کردیم و امکانات لازم برای تولید آثار در اختیار آنها قرار گرفت. اجرای این نمایش‌ها نزدیک به چهار ماه‌سالی تئاتر استان فارس را درگیر کرد و با استقبال مخاطبان نیز همراه شد. در مجموع، بیش از ۴هزار نفر به تماشای این آثار نشستند و حتی ظرفیت ادامه اجراها نیز وجود داشت. اکنون تلاش می‌کنیم این جریان را از سطح استان فارس فراتر ببریم و مراکز مهم فرهنگی از جمله تهران را نیز درگیر این پروژه کنیم. بسیاری از این آثار قابلیت اجرا در استان‌های دیگر را دارند چه از طریق اجرای مستقیم گروه‌های تولید کننده و چه از طریق واگذاری نمایشنامه‌ها برای بازتولید از سوی هنرمندان دیگر شهرها. در این زمینه ارزیابی‌هایی با مرکز هنر‌های نمایشی حوزه هنری و باشگاه سوره انجام شده و امیدواریم بزایان استقبال مخاطبان نیز فراهم شود. در مرحله نخست، برای اثبات قابلیت اجرایی نمایشنامه‌ها، پنج اثر صحنه‌ای و پنج اثر خیابانی تولید و اجرا کردیم که خوشبختانه با استقبال خوبی نیز مواجه شدند.

تولید آثری در قالب طرح «آینه در آینه» چه موفقیت‌هایی کسب کرده‌اند؟

برخی از این آثار توانستند در جشنواره‌های معتبر نیز حضور موفقی داشته باشند. نمایش «این آدم‌های غریب» در جشنواره ملی تئاتر فتح خرمشهر به عنوان اثر ویژه انتخاب شد و آثار دیگری نیز در جشنواره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفتند. این موفقیت‌ها نشان می‌دهد مسیر انتخاب‌شده می‌تواند به شکل‌گیری یک جریان مؤثر در عرصه نمایشنامه‌نویسی اقتباسی کشور منجر شود. برخی از نمایش‌های ایسن مجموعه در جشنواره‌های مختلف حضور پیدا کردند و موفق به کسب جوایز ویژه شدند. برای مثال، نمایش «او خودش خانه بود» در جشنواره چشمه خرمشهر مورد توجه قرار گرفتند و جوایز ویژه‌ای را به دست آوردند. هر زمان که امکان اجرای عمومی گسترده برای این آثار فراهم نبود، تلاش می‌کردیم آنها را در جشنواره‌های مختلف شرکت دهیم. این حضور، علاوه بر دیده شدن آثار، فرصتی برای ارزیابی کیفیت آنها از نسوی داوران، کارشناسان و اهالی تئاتر فراهم می‌کرد. خوشبختانه در اغلب موارد، با بازخوردهای مثبتی روبه‌رو شدیم و این مسئله نشان‌دهنده استقبال‌شده ظرفیت تبدیل شدن به یک جریان فرهنگی مؤثر را دارد. تجربه ما نشان داد این روایت‌های کوتاه و خاطرات شفاهی نیز قابلیت تبدیل شدن به آثار نمایشی را دارند و می‌توانند در قالب نمایش خیابانی با مخاطب ارتباط برقرار کنند. خوشبختانه اجرای این آثار با استقبال مناسبی روبه‌رو شد و توانست بخشی از ظرفیت مغفول‌مانده ادبیات شفاهی را وارد عرصه هنر نمایش کند. هدف اصلی ما این بود که نشان دهیم هر روایت ارزشمند، حتی اگر در قالب چند صفحه خاطره یا یک روایت شفاهی کوتاه ثبت شده باشد، می‌تواند با نگاه هنرمندانه به یک اثر نمایشی تبدیل شود و مخاطبان خود را پیدا کند. خوشبختانه در این مسیر نتایج امیدوارکننده‌ای به دست آمد و امیدواریم این تجربه در دوره‌های آینده نیز ادامه پیدا کند.